

نوآوری‌های قانون مجازات

جرایم نیروهای مسلح

مصوب ۱۳۸۲



دکتر حسن پورباقرانی (استادیارگروه حقوق دانشگاه اصفهان)

واژگان کلیدی: قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح - تخفیف مجازات جایگزین‌های مجازات حبس - جنگ - شروع به جرم - شلاق

مقدمه:

قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۵ قانونی است که حداقل در بادی امر بدون ایراد اساسی به نظر می‌رسد. این قانون علاوه بر آنکه ایرادات قانون آزمایشی مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ را ندارد، ابهامات موجود در آن قانون را نیز تا حد زیادی مرتفع کرده است. علاوه بر این، این قانون نسبت به سلف خود، یعنی قانون آزمایشی قبلی مصوب ۱۳۷۱ و در مواردی حتی نسبت به قانون مجازات اسلامی مصوب

چکیده:

قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ دارای نوآوری‌ها و ابتکارات تقنینی نسبتاً خوبی است که در حد خود نشانه تکامل قانونگذار در نگارش قانون است. در این قانون در موارد زیادی شاهد شفافیت قانون که از جمله خصوصیات بارز قانون‌نگذاری خوب است، هستیم. همچنین در این قانون شاهد تسلط تقریباً خوب مقنن بر مباحث حقوقی موجود در سیستم حقوقی و حرکت هماهنگ با این سیستم هستیم. از جمله این موارد می‌توان به وارد شدن بحث جایگزین‌های مجازات حبس به قانون جدید به نحو بسیار متنوع‌تر و قاعده‌مندتر نسبت به قانون قبلی اشاره داشت؛ و نیز می‌توان به وارد شدن بحث عدم سودمندی مجازات‌های سالب آزادی کوتاه مدت - هر چند به نحو ناقص - به قانون جدید و همچنین حذف مجازات شلاق اشاره کرد. در این مقاله صرف نظر از ایرادهایی که آحاداً وجود دارد و در جای خود قابل بررسی است، صرفاً این نوآوری‌ها را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱۳۷۰ دارای ابتکارات تقنینی نسبتاً خوبی است که نشانگر پختگی و تجربه دست‌اندرکاران تهیه و تدوین آن بشمار می‌آید. این مقاله با هدف برجسته کردن این ابتکارات - که در مواردی که سابقه‌ای از آن در حقوق کیفری عمومی نیست می‌تواند مورد گرت‌برداری مقنن در تدوین و اصلاح آن قوانین نیز واقع شود - نگارش یافته است.

این نوآوری‌ها که عمدتاً در مبحث «مواد عمومی» قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و به عبارت دیگر، در قلمرو حقوق جزای عمومی نظامی است تا حقوق جزای اختصاصی یا آیین دادرسی کیفری نظامی، به شرح ذیل مورد بحث مقاله حاضرند:

۱- وارد شدن بحث عدم سودمندی مجازات‌های سالب آزادی کوتاه مدت به قانون جدید، ۲- حذف مجازات شلاق، ۳- قاعده‌مندی در نهادهای تخفیف و تبدیل مجازات، ۴- وارد شدن بحث مهم جایگزین‌های مجازات حبس به قانون جدید، ۵- پذیرش شروع به جرم در جرایم مهم، ۶- تعیین تکلیف برای زمان "نه صلح و نه جنگ"، ۷- جرم انگاری ارتکاب جرم از طریق رایانه و نرم‌افزارها و ... در ذیل در خصوص هر کدام از موارد فوق به نحو جداگانه به بحث و بررسی می‌پردازیم:

۱- وارد شدن بحث عدم سودمندی مجازات‌های سالب آزادی کوتاه مدت به قانون جدید

دیرزمانی است که بحث عدم فایده‌مندی مجازات‌های سالب آزادی کوتاه مدت، نقل محافل حقوقی است که خود ثمره پژوهش‌های گران‌بهای کیفرشناسان است. اکثر کیفرشناسان، معایب زندانهای کوتاه مدت را به قدری زیاد می‌دانند که آن را داروی بدتر از درد نامیده‌اند. (ر. ک. اردیلی، ۱۳۷۲، ص ۲۸۰؛ نیز بولک، ۱۳۸۲، ص ۶۳؛ نیز صلاحی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵).

خوشبختانه، حاصل این تحقیقات کیفرشناسی ابتدا در بند "۱" تبصره "۱۷" قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۶۸ و سپس در بندهای "۱" و "۲" ماده (۳) قانون وصول

در حال حاضر دادگاههای نظامی در مواردی که حداقل مجازات قانونی جرمی کمتر از ۹۱ روز و حداکثر مجازات قانونی آن جرم بیش از این باشد می‌توانند به مجازات کمتر از ۹۱ روز حکم دهند؛ و نیز به طریق اولی دادگاههای نظامی می‌توانند در مقام تخفیف کیفر نیز به کمتر از ۹۱ روز حکم دهند.

برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ مورد اقبال مقنن قرار گرفت و به موجب این قانون، مجازات‌های سالب آزادی کمتر از نود و یک روز از نظام حقوق کیفری حذف گردید. بند "۱" و "۲" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ به شرح ذیل است: «۱- در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از نود و یک روز حبس یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی می‌باشد از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از ۷۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال صادر می‌شود. ۲- هرگاه حداکثر مجازات بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از ۷۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال بدهد.» با این مصوبه تردیدی باقی نماند که مقنن تمامی مجازات‌های کمتر از نود و یک روز را به موجب این دو بند نسخ کرده است و دادگاهها نمی‌توانند حکم به مجازات کمتر از نود و یک روز صادر نمایند. حتی روح حاکم بر این مصوبه بخصوص بند "۲" آن که پشتوانه عظیم علمی و کیفرشناسی دارد حاکی از آن است که دادگاهها در مقام تخفیف کیفر هم حق تعیین مجازات به کمتر از نود و یک روز را ندارند و در صورت مستحق ارفاق بودن متهم می‌توانند مجازات را به مجازات مناسب‌تر مثلاً جزای نقدی تبدیل نمایند. رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۷۸/۹/۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و نظرات متعدد اداره حقوقی قوه قضائیه در این خصوص شایسته امعان نظر و در خور ستایش است؛ چون در هماهنگی کامل با نظریات علمی و کیفرشناسی است. قسمتی از این رأی وحدت رویه به شرح ذیل است: «... بنابراین تعیین مجازات حبس کمتر از نود و یک روز برای متهم مخالف نظر مقنن و روح قانون می‌باشد و چنانچه نظر دادگاه به تعیین مجازات کمتر از مدت مزبور باشد، می‌بایستی حکم به جزای نقدی بدهد...» نظریه شماره ۷/۱۰۰۹۰ مورخ ۱۸۰/۱۰/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه هم می‌گوید: «با توجه به صراحت بند "۲" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب اسفندماه ۱۳۷۳ و با عنایت به رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ تعیین حبس به کمتر از سه ماه به علت تخفیف کیفر نیز توجیه قانونی ندارد.»

به هر حال، حاصل این تحقیقات علمی و کیفرشناسی که به شرح فوق در حقوق کیفری عمومی ایران جلوه نموده است و اثری از آن در



قانون قبلی مجازات جرایم نیروهای مسلح نبود، در سال ۱۳۸۲ به نحو ناقص وارد قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح شده است که در همین حد هم قابل توجه است. تبصره "۲" ماده (۳) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ می‌گوید: «در کلیه جرایمی که مجازات قانونی حبس تا سه ماه می‌باشد، قاضی مکلف به تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی می‌باشد.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در تطبیق با بحث حقوق جزای عمومی، مقنن در حقوق جزای نظامی صرفاً با بند "۱" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، هماهنگی دارد و به عبارت دیگر صرفاً بند "۱" ماده (۳) این قانون را وارد قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح کرده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد با توجه به قانون خاص بودن قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و اینکه قانون عام (چه مقدم و چه مؤخر) نمی‌تواند ناسخ آن بشمار آید، در حال حاضر دادگاههای نظامی در مواردی که حداقل مجازات قانونی جرمی کمتر از ۹۱ روز و حداکثر مجازات قانونی آن جرم بیش از این باشد می‌توانند به مجازات کمتر از ۹۱ روز حکم دهند؛ و نیز به طریق اولی دادگاههای نظامی می‌توانند در مقام تخفیف کیفر نیز به کمتر

از ۹۱ روز حکم دهند، که همان‌گونه که گفته شد، این امر مخالف یافته‌های کیفرشناسان در زمینه مجازاتهای سالب آزادی کوتاه مدت است و خوب بود که تهیه‌کنندگان لایحه این قانون در این دو حالت نیز هماهنگی خود را با حقوق کیفری عمومی نشان می‌دادند.

در عین حال به نظر می‌رسد تمامی این مباحث در جایی است که مجازات جرایم ارتكابی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح وجود دارد و دادگاه نظامی به استناد همین قانون مبادرت به صدور حکم می‌کند. اما در مواردی که استثنائاً دادگاه نظامی به موجب تبصره ماده (۲) این قانون به استناد قوانین جزایی دیگر مبادرت به صدور حکم می‌کند موضوع حکم دیگری دارد (ر.ک. یزدانیان، ۱۳۸۳، ص ۶۳). و به نظر می‌رسد که در این صورت دادگاه نظامی به طور کامل تابع مقررات قوانین کیفری عمومی از جمله مقررات ناسخ و منسوخ آنهاست؛ و چون قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، تمامی مجازاتهای کمتر از ۹۱ روز آن قوانین و نیز مجازاتهایی که در آن قوانین حداکثر آن بیش از ۹۱ روز و حداقل آن کمتر از این است را نسخ کرده، دادگاه نظامی هم در این صورت بایستی با رعایت این مقررات مبادرت به صدور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

دیرزمانی است که بحث عدم فایده‌مندی مجازاتهای سالب آزادی کوتاه مدت، نقل محافل حقوقی است که خود ثمره پژوهش‌های گران‌بهای کیفرشناسان است. اکثر کیفرشناسان، معایب زندانهای کوتاه مدت را به قدری زیاد می‌دانند که آن را داروی بدتر از درد نامیده‌اند.

حکم کند.

نتیجه اینکه در قوانین جزایی دیگر (غیر قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح) با توجه به بند "۱" و "۲" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، مجازات کمتر از ۹۱ روز هیچ جایگاه حقوقی ندارد و به طور کامل منسوخ است؛ و استناد دادگاه نظامی به قانون منسوخ هم فاقد هرگونه توجیهی است.

۲- حذف مجازات شلاق

مقنن در ماده (۳) قانون آزمایشی مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱، اجازه تبدیل مجازات حبس کمتر از یک سال به شلاق را، هم در مورد پرسنل وظيفه و هم در مورد پرسنل کادر، به دادگاههای نظامی داده بود. در حالی که در مواد (۳) تا (۹) قانون جدید ۱۳۸۲ که جایگزین ماده (۳) قبلی است از این مجوز خبری نیست و دادگاههای نظامی اجازه تبدیل مجازاتهای مصرح قانونی به مجازات شلاق را ندارند.

لازم به ذکر است که در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح قبلی ۱۳۷۱ غیر از ماده (۳) که اجازه تبدیل مجازاتهای حبس کمتر از یک سال به شلاق را داده بود، اثری از این نوع مجازات در مواد دیگر آن قانون نبود. به عبارت دیگر، مجازات شلاق به عنوان مجازات اصلی در آن قانون پیش‌بینی نشده بود که همین رویه در قانون جدید ۱۳۸۲ نیز حفظ شده است.

این اقدام مقنن می‌تواند در راستای عمل به معاهده‌های بین‌المللی که دولت ایران هم به آن ملحق گردیده از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ م. (ماده ۵) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۶۶ م. بشمار آید. علاوه بر آن، با توجه به اینکه عمده جرایم مذکور در این قانون از جرایم تعزیری و بازدارنده است و از طرفی بر اساس نظر بسیاری از فقها مجازات تعزیری منحصر در شلاق است (صافی گلپایگانی، ۱۴۰۴، صص ۳۳-۳۲)، این اقدام مقنن و بخصوص تصویب نهایی این قانون توسط شورای نگهبان نشانگر توجه مقنن

به مصالح جامعه در اتخاذ نظریات فقهی هم هست. (ر.ک. پوریافرانی، ۱۳۸۳، ص ۹۰-۶۱).

۳- قاعده مندی در نهادهای تخفیف و تبدیل مجازات

ماده (۳) قانون آزمایشی مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱، صرفاً نهاد تبدیل مجازات را پذیرفته و مقرر می‌داشت: «دادگاههای نظامی می‌توانند مجازات حبس را با توجه به مراتب جرم، امکانات خاطی و کیفیات مخففه یا سایر اوضاع و احوال به مجازات تعزیری دیگری به شرح زیر تبدیل نمایند...»

الف - همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این ماده صرفاً نهاد «تبدیل» مجازات را پذیرفته بود و بحثی از «تخفیف» مجازات در این ماده نبود.

این امر باعث شده بود که در اوایل زمان تصویب این قانون در مورد اینکه آیا دادگاههای نظامی می‌توانند برای اعمال تخفیف (و نه تبدیل) به ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی استناد نمایند، اختلاف نظر به وجود آمد. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریات متعدد خود از جمله نظر به شماره ۷/۳۷۱۳ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۳ معتقد بود که دادگاههای نظامی نمی‌توانند به استناد ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی اعمال تخفیف نمایند. (ر.ک. شهری و ستوده جهرمی، ۱۳۷۵، صص ۵۶۳-۵۶۰) در حالی که نظر صحیح و صائب آن بود که استناد دادگاههای نظامی برای تخفیف مجازات به ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی مانع قانونی ندارد. چون ماده (۳) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ که قانون خاص است، صرفاً در مورد تبدیل بحث می‌کند و راجع به تخفیف حکمی ندارد. به همین دلیل استناد دادگاههای نظامی به قانون عام، یعنی ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی فاقد اشکال است. در مقام عمل نیز دادگاههای نظامی در موارد زیادی به ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی استناد می‌کردند. (بهرامی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳) به هر حال، قانون جدید مجازات جرایم نیروهای مسلح به این اختلاف نظر فیصله داد و هر دو نهاد تخفیف و تبدیل مجازات را وارد قانون جدید

هنگامی یک مجازات، مجازات تکمیلی بشمار می‌آید که استناد دادگاه برای اعمال آن به ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی و یا به ماده (۱۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در مورد نظامیان باشد و اگر بدون استناد به این مواد، دادگاهها مکلف به اعمال مجازاتی باشند، آن مجازات، صرف نظر از ماهیت و نوع آن (حبس، شلاق، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و ...) مجازات اصلی است و مجازات تکمیلی بشمار نمی‌آید.

حتی دو ماه (ماده ۸(۳)، بند "ج" ماده ۲(۴)، بند "ج" ماده ۴(۴)، ماده ۴(۴) و ۶(۴) و ... پیش‌بینی شده چندان هم این امر قرین موفقیت نبوده و با توجه به این قبیل مواد به وفور می‌توان شاهد صدور حکم به محکومیت‌های به حبس یک ماه و کمتر در دادگاههای نظامی بود. به هر حال نقش قاعده مندی تخفیف مجازات در این خصوص قابل تقدیر است. نکته دوم اینکه دادگاههای نظامی به هیچ وجه اجازه تخفیف مجازات حبس به کمتر از یک سوم حداقل مجازات قانونی را ندارند و چنانچه متهم را مستحق ارفاق بدانند صرفاً می‌توانند بجای نهاد تخفیف از نهاد تبدیل استفاده نمایند.

ج - ماده (۳) قانون آزمایشی قبلی با بیان عباراتی مبهم در خصوص تخفیف مجازات مقرر می‌داشت: «دادگاههای نظامی می‌توانند مجازات حبس را با توجه به مراتب جرم، امکانات خاطی، کیفیات مخففه یا سایر اوضاع و احوال به مجازات تعزیری دیگری ... تبدیل نمایند.» بر همین اساس، جهات مخففه مطابق این ماده می‌توانست مراتب جرم، امکانات خاطی، کیفیات مخففه یا سایر اوضاع و احوال باشد و به همین دلیل جهات تخفیف مجازات در این قانون بسیار وسیع‌تر از آنچه در ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی مقرر است، بود. با توجه به اینکه این نحو نگارش قانون بخصوص عبارت «سایر اوضاع و احوال» می‌توانست

نمود. (مواد ۲، ۴ و ۵ قانون جدید) ماده (۳) قانون مذکور مقرر می‌دارد: «در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون تا دو سال است دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف داده و یا به یکی از مجازاتهای ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید...» این عبارت در ماده (۴) در مورد مجازات حبس "بیش از دو تا پنج سال" و در ماده (۵) در مورد مجازات حبس "بیش از پنج سال" هم تکرار گردیده است.

ب - علاوه بر این، در قانون جدید بحث تخفیف نیز قاعده مند شده و مقنن تا حد معینی اجازه تخفیف را به دادگاههای نظامی داده است. در هر سه ماده (۳)، (۴) و (۵) قانون جدید، مقنن صرفاً اجازه تخفیف مجازات حبس تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم را داده است. این مطلب حاوی دو نکته است:

نکته اول اینکه شاید مقنن در تأثیر پذیری از دکترین در خصوص عدم سودمندی مجازاتهای سالب آزادی کوتاه مدت، اجازه تخفیف مجازات حبس را در بیش از یک سوم حداقل مجازات قانونی جرایم نداده است. هر چند با توجه به اینکه در موارد متعددی حداقل مجازات قانونی جرایم، سه ماه (بند ج ماده ۲(۶)، بند "ب" ماده ۷(۲)، تبصره ماده ۸(۳)، ماده ۱(۴)، بند "ج" ماده ۳(۴) و ... و

در مقام عمل باعث اختلاف سلیقه و در نتیجه تبعیض در اجرای عدالت بشمار آید. در ماده (۹) قانون جدید صراحتاً جهات مخففة مندرج در این قانون همان جهات مخففة ششگانه مندرج در ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ بشمار آمده است، که از این جهت نیز اقدام مقنن - با توجه به قاعده مندی بحث جهات مخففة - در خور تحسین است.

د- نکته دیگری که در قانون جدید آمده است و به نظر می‌رسد منطق خاصی به دنبال ندارد، آن است که مقنن در ذیل تبصره ماده (۲) قانون جدید در مواردی دادگاههای نظامی را مکلف کرده است که در صورت مستحق ارفاق تشخیص دادن مجرم، بر اساس ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی (و نه مواد ۳ تا ۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲) به اعمال تخفیف و تبدیل مجازات بپردازند. تبصره ماده (۲) این قانون مقرر می‌دارد: «در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد چنانچه رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، دادگاه نظامی طبق قانون مربوط به آن جرم تعیین کیفر می‌نماید، اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همان قانون خواهد بود.»

با توجه به اینکه در قانون جدید بحث تخفیف و تبدیل مجازات از قاعده مندی خاصی برخوردار است که احیاناً می‌تواند مورد گرت‌برداری مقنن در قانون مجازات اسلامی قرار گیرد، این اقدام مقنن قابل دفاع نیست و منطق خاصی برای تدوین آن به نظر نمی‌رسد. بخصوص آنکه نفس اعمال تخفیف و تبدیل به موجب هر دو قانون اختیاری است و احیاناً اگر دادگاه نظامی مجازات اصلی جرمی را با فرض خفیف‌تر بودن مجازاتهای مندرج در قوانین دیگر سبک بداند، می‌تواند از نهاد تخفیف یا تبدیل مجازات استفاده نکرده و یا تا حد خاصی از آن استفاده کند.

ه- مورد دیگری که قاعده مندی بحث تخفیف مجازات را نشان می‌دهد، ماده (۷) قانون مجازاتهای جرایم نیروهای مسلح است. این ماده مقرر می‌دارد: «در مواردی که در این قانون،

در قوانین جزایی دیگر (غیر قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح) با توجه به بند "۱ و ۲" ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، مجازات کمتر از ۹۱ روز هیچ جایگاه حقوقی ندارد و به‌طور کامل منسوخ است؛ و استناد دادگاه نظامی به قانون منسوخ هم فاقد هرگونه توجیهی است.

مجازاتهای دیگری غیر از حبس به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی شده، در صورت وجود جهات مخففة به شرح زیر قابل تبدیل و تخفیف می‌باشد: الف - مجازات اخراج از خدمت یا انفصال دائم از خدمت و یا خدمات دولتی به تنزیل دو درجه و با رتبه ...» این ماده علاوه بر قاعده مندی، حاوی مطلب مهم دیگری هم هست و آن اینکه از لحاظ مقنن، مجازاتهای اخراج از خدمت یا انفصال دائم از خدمت و یا خدمات دولتی یا انفصال موقت و ... که در این ماده آمده است، «مجازات اصلی» به‌شمار می‌آید نه «مجازات تکمیلی اجباری» و این خلاف دیدگاهی است که این مجازاتها را مجازاتهای تکمیلی اجباری می‌داند. (ر.ک. صناعی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۰-۲۱۹؛ نیز اردبیلی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶). به نظر می‌رسد دیدگاه مقنن کاملاً منطقی و مطابق موازین است. چون هنگامی یک مجازات، مجازات تکمیلی بشمار می‌آید که استناد دادگاه برای اعمال آن به ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی و یا به ماده (۱۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در مورد نظامیان باشد و اگر بدون

استناد به این مواد، دادگاهها مکلف به اعمال مجازاتی باشند، آن مجازات، صرف نظر از ماهیت و نوع آن (حبس، شلاق، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و ...) مجازات اصلی است و مجازات تکمیلی بشمار نمی‌آید. مضافاً آنکه وقتی اخراج از خدمت یا انفصال داریم در مورد جرم خاصی به عنوان مجازات اصلی ذکر شده باشد (مثلاً تبصره ماده (۱۳) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ یا مواد ۵۷۲ و ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی)، دادگاه مکلف به اعمال آن است و اختیاری در خصوص اعمال یا عدم اعمال آن (مگر در حد تخفیف یا تبدیل مجازات) ندارد و این برخلاف ماهیت مجازاتهای تکمیلی است که در هر دو ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی و (۱۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (به عنوان تنها مبنا برای اعمال مجازات تکمیلی) کاملاً اختیاری است و دادگاه در خصوص اعمال آنها مختار (و نه مکلف) است. بر همین اساس، در این ماده مقنن دیدگاهی را پذیرفته است که معتقد به نهادی به نام مجازات تکمیلی اجباری نیست و مجازات تکمیلی را یک مورد بیش نمی‌داند، که اعمال آن هم اختیاری (و نه اجباری) است.

۴- وارد شدن بحث اساسی جایگزین‌های مجازات حبس به قانون جدید

دو نهاد تبدیل و تخفیف مجازات، هم در ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی و هم در مواد مربوط در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در کنار هم آمده‌اند. در عین حال ماهیت این دو کاملاً متفاوت است. در تخفیف مجازات بدون آنکه نوع مجازات تغییر کند، صرفاً میزان آن کمتر از حداقل مقرر قانونی تعیین می‌شود. به عنوان مثال: بدون آنکه نوع حبس به نوع دیگری مثلاً جزای نقدی تبدیل شود، صرفاً میزان آن کمتر از حداقل مقرر قانونی تعیین می‌گردد. در حالی که در تبدیل مجازات، ماهیت یک مجازات به مجازات دیگری تغییر می‌یابد و به عبارت دیگر، نوع مجازات مثلاً حبس به نوع دیگری مثلاً شلاق یا جزای نقدی تغییر ماهیت

می‌دهد. به همین دلیل می‌توان بحث تبدیل مجازات را تحت عنوان جایگزین‌های مجازات حبس هم مطرح نمود.

هر چند ماده (۳) قانون آزمایشی قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ هم، بحث جایگزین‌های مجازات حبس را به صورت تبدیل مجازات پذیرفته بود؛ اما چند ایراد مهم به آن وارد بود: اول آنکه تنوع چندانی در بحث تبدیل مجازات وجود نداشت. دوم آنکه برای مجازات‌های بیش از دو سال در مورد پرسنل نظامی بحث تبدیل مجازات پذیرفته نشده بود و سوم آنکه در موارد پذیرفته شده هم قانونمندی کامل حاکم نبود. مضافاً آنکه برخی از مجازات‌های تبدیلی مقرر در آن قانون بنا به اذعان مسئولین سازمان قضایی نیروهای مسلح، مشکلات اجرایی فراوانی را ایجاد کرده بود (ر.ک. بهرامی، ۱۳۸۲، صص ۱۰۳-۱۰۲).

در قانون جدید، این ایرادها دیده نمی‌شود. بحث تنوع مجازات‌های جایگزین مجازات حبس، آن هم متناسب با شخصیت و اوضاع و احوال و شغل نظامیان در مواد (۳)، (۴) و (۵) پیش‌بینی شده است.

ماده (۳) این قانون مقرر می‌دارد: «در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «تا دو سال» است، دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف داده و یا به یکی از مجازات‌های ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید:

الف - در مورد کارکنان پایور: ۱- کسر حقوق و مزایا به میزان یک چهارم از شش ماه تا یک سال، ۲- جزای نقدی از دو میلیون ریال تا بیست میلیون ریال، ۳- محرومیت از ترفیع از سه ماه تا یک سال، ۴- انقصال موقت از خدمت از سه ماه تا شش ماه، ۵- منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین از شش ماه تا یک سال.

ب - در مورد کارکنان وظیفه: ۱- اضافه خدمت از دو ماه تا چهار ماه، ۲- جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال، ۳- منع

اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین حداقل به مدت شش ماه و حداکثر تا پایان خدمت وظیفه و در صورتی که باقیمانده خدمت دوره ضرورت کمتر از شش ماه باشد دادگاه می‌تواند مدت باقیمانده را مورد حکم قرار دهد.»

ماده (۴) این قانون نیز می‌گوید: «در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «بیش از دو سال تا پنج سال» است دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف دهد و یا به یکی از مجازات‌های ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید:

الف - در مورد کارکنان پایور: ۱- جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال، ۲- محرومیت از ترفیع از شش ماه تا دو سال، ۳- تنزیل یک درجه و یا رتبه، ۴- انقصال موقت از شش ماه تا یک سال.

ب - در مورد کارکنان وظیفه: ۱- جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا سی میلیون ریال، ۲- اضافه خدمت از سه ماه تا شش ماه.»

ماده (۵) این قانون نیز اشعار می‌دارد: «در

دادگاه‌های نظامی به هیچ وجه اجازه تخفیف مجازات حبس به کمتر از یک سوم حداقل مجازات قانونی را ندارند و چنانچه متهم را مستحق ارفاق بدانند صرفاً می‌توانند بجای نهاد تخفیف از نهاد تبدیل استفاده نمایند.

تمام مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «بیش از پنج سال» است دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف و یا به یکی از مجازات‌های ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید:

الف - در مورد کارکنان پایور: ۱- جزای نقدی از سی میلیون ریال تا یک صد میلیون ریال، ۲- محرومیت از ترفیع از دو سال تا چهار سال، ۳- تنزیل یک تا دو درجه و یا رتبه، ۴- انقصال موقت به مدت یک سال.

ب - در مورد کارکنان وظیفه: ۱- جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال، ۲- اضافه خدمت از شش ماه تا یک سال.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در ماده (۳) بحث جایگزین‌های مجازات حبس «تا دو سال» و در ماده (۴) بحث جایگزین‌های مجازات حبس «بیش از دو سال تا پنج سال» و نهایتاً در ماده (۵) بحث جایگزین‌های مجازات حبس «بیش از پنج سال» مطرح گردیده است؛ که همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، برعکس قانون قبلی برای تمامی موارد حبس‌ها (باهر میزان) بحث جایگزین‌های مجازات حبس آن هم به نحو قاعده‌مند - که باعث اعمال عادلانه‌تر قوانین کیفری می‌گردد - مطرح گردیده است. علاوه بر آن، در اقدامی کاملاً ابداعی، مقنن در ماده (۱۱) قانون جدید نهاد «مجازات حبس با خدمت» را به عنوان جایگزینی برای مجازات حبس پذیرفته است. این اقدام در زمینه جایگزین‌های مجازات حبس می‌تواند الگویی خوب برای اصلاح ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی در پذیرش بحث جایگزین‌های مجازات حبس بشمار آید.

۵- پذیرش شروع به جرم در جرایم مهم همان‌گونه که می‌دانیم، از لحاظ قوانین کیفری لازم الاجرای فعلی (بخصوص ماده ۱(۴) قانون مجازات اسلامی) شروع به جرم در قوانین کیفری ایران اصولاً جرم محسوب نمی‌شود مگر در مواردی که مقنن به آن تصریح کرده باشد یا مواردی که خود مستقلاً جرم خاصی بشمار می‌آید. طبیعتاً

مورد دوم - یعنی مواردی که مستقلاً جرم خاصی بشمار می‌آید - خارج از بحث شروع به جرم است. به همین خاطر صرفاً شروع به جرم وقتی جرم محسوب می‌گردد که مقنن در جرایم خاصی به جرم بودن آن تصریح کرده باشد. مقنن در راستای توجه کامل به این بحث و بدون آنکه به مشکلات موجود در بحث شروع به جرم مشکل دیگری اضافه کند، در ماده (۱۲۸) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به نحو احصایی شروع به جرم در جرایم مهم را جرم‌انگاری کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «شروع به جرایم تعزیری جعل و تزویر، سرقت، تخریب یا آتش زدن یا اتلاف تأسیسات یا اسلحه و مهمات یا وسایل و امکانات نیروهای مسلح، تقلب و دسیسه در امور نظام وظیفه، فروش غیر مجاز اموال نیروهای مسلح، ارتشا، اختلاس، اخاذی یا جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جرم است و مرتکب حسب مورد به حداقل مجازات جرایم مذکور محکوم می‌شود.»

۶- تعیین تکلیف زمان خاتمه

عملیات رزمی، قبل از امضای قرارداد صلح (زمان نه جنگ، نه صلح) همان طور که می‌دانیم، مقنن در موادی از قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، بحث ارتکاب جرم در زمان جنگ را مطرح کرده و مجازات شدیدتری را برای آن بیان داشته است.

به عنوان مثال: هر چند مطلق فرار از خدمت را در مواد (۵۶) تا (۶۰) این قانون جرم می‌داند، اما برای فرار خدمت در زمان جنگ (مواد ۶۱ الی ۷۰) مجازات‌های شدیدتری را تعیین کرده است. همین طور در بند "ج" ماده (۲) و بند "ب" ماده (۵۱) نیز برای ارتکاب جرم در زمان جنگ مجازات بیشتری نسبت به ارتکاب جرم در غیر موارد جنگ تعیین کرده است. بدیهی است در تمامی این موارد برای تعیین مجازات مربوط بایستی "زمان جنگ" تعریف و مشخص شود. اینکه آیا به عنوان مثال کسی که بلافاصله پس از اعلام آتش بس و قبل از امضای قرارداد صلح مرتکب این جرایم شود، آیا جرم ارتكابی او در زمان جنگ محسوب می‌شود یا خیر؟

علاوه بر این موارد خاص، همان طور که می‌دانیم مقنن در یک ماده کلی دیگر در ماده (۵۰۹) قانون مجازات اسلامی ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمان جنگ را باعث تشدید مجازات دانسته و در واقع "حالت جنگ" را برای ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور از مصادیق کیفیات مشدده عینی بشمار آورده است. این ماده مقرر می‌دارد:

«هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می‌گردد.» هر چند مقررات این ماده در قانون مجازات

برخی از حقوقدانان ضمن تفکیک زمان آتش بس به موقتی و نامحدود، زمان آتش بس موقتی را از جهت اعمال قوانین کیفری ملحق به زمان جنگ و زمان آتش بس نامحدود را ملحق به زمان صلح می‌دانستند.

جرایم نیروهای مسلح وجود ندارد، اما بدون تردید از لحاظ تحلیل حقوقی و با توجه به تبصره ماده (۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، این ماده حاکم بر قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح هم هست و بدین ترتیب، چنانچه نظامیان در زمان جنگ مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی گردند، مشمول تشدید مجازات مقرر در این ماده خواهند گردید.

هر چند اصل ماده (۵۰۹) قانون مجازات اسلامی مورد اعتراض برخی از حقوقدانان قرار گرفته و معتقدند عرف قانونگذاری در وضع جرایم و مجازات‌ها مقتضی آن است که در هر جرمی ارکان تشکیل دهنده و خصوصیات عینی جرم توأم با مجازات آن در یک ماده و در یک جا گفته شود، نه آنکه قسمتی از عناصر تشکیل دهنده یک جرم یا مجازات آن در یک ماده و قسمتی دیگر در ماده دیگر بیان گردد (پیمانی، ۱۳۷۵، ص ۴۹-۴۸) و با این وصف به طریق اولی این ایراد در خصوص حاکمیت این ماده بر جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی نظامیان می‌تواند وارد باشد؛ چون قسمتی از جرم نظامیان در این خصوص در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح بیان شده و قسمتی دیگر (و به عبارت دقیق‌تر کیفیت مشدده عینی آن) در ماده (۵۰۹) قانون مجازات اسلامی بیان گردیده که دو قانون متفاوت بشمار می‌آیند؛ اما در هر صورت و به رغم این ایراد عمدتاً شکلی، ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور توسط نظامیان در زمان جنگ بر اساس تبصره ماده (۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و نیز ماده (۵۰۹) قانون مجازات اسلامی باعث تشدید مجازات می‌گردد.

با این وصف تا زمان تصویب قانون جدید (۱۳۸۲) در اینکه آیا از حیث اعمال مقررات کیفری، زمان جنگ به زمان آتش بس و به عبارت دقیق‌تر زمان خاتمه عملیات رزمی با دشمن و قبل از امضای معاهده صلح (زمان نه جنگ، نه صلح) هم اطلاق می‌شود یا خیر، حکم مشخص قانونی وجود نداشت. از طرفی با توجه به اینکه صرفاً

زمانی، زمان صلح محسوب می‌گردد که معاهده صلح امضا شود (روسو، ۱۳۶۹، ص ۲۲۶). این زمان نمی‌توانست زمان صلح بشمار آید؛ از طرف دیگر، با توجه به تعریف جنگ که عبارت از زد و خورد بین قوای منظم دول به قصد غلبه یا دفاع است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷، ص ۲۰۰) و با عنایت به توقف این حالت و متارکه جنگ در این دوره، آن را نمی‌توان دوران جنگ هم نامید. بر این اساس برخی از حقوقدانان ضمن تفکیک زمان آتش بس به موقتی و نامحدود، زمان آتش بس موقتی را از جهت اعمال قوانین کیفری ملحق به زمان جنگ و زمان آتش بس نامحدود را ملحق به زمان صلح می‌دانستند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴).

به هر حال ماده (۱۲۹) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۰، در این خصوص با صراحت کامل بیان داشت: «جرایمی که پس از اعلام رسمی خاتمه درگیری مستقیم رزمی با دشمن و قبل از امضای قرارداد صلح واقع می‌شود از نظر این قانون جرم در زمان صلح محسوب می‌گردد.»

دو نکته در خصوص این ماده قابل ذکر است: اول آنکه همان‌گونه که گفته شد، این ماده ارتکاب جرم در زمان خاتمه عملیات رزمی با دشمن و قبل از امضای معاهده صلح را صرفاً از حیث اعمال مقررات کیفری در حکم جرم واقع شده در زمان صلح می‌داند و بدیهی است این ماده بیانگر قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل در این خصوص نیست؛ و از لحاظ مقررات حقوق بین‌الملل به هیچ وجه این دوره را نمی‌توان دوره صلح نامید؛ چرا که وقتی می‌توان از دوره صلح نام برد که الزاماً معاهده صلحی بین طرفین درگیر در جنگ امضا گردد. (ر.ک. روسو، ۱۳۶۹، صص ۲۳۷-۲۴۲).

نکته دوم آنکه به نظر می‌رسد مقررات این ماده که صرفاً ناظر به قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح است، از طریق وحدت ملاک قابل تسری به سایر قوانین از جمله قانون مجازات اسلامی هم باشد. چون در هر صورت، علت در زمان صلح محسوب شدن جرایم ارتكابی در این دوره، عدم وجود حالت زد و خورد جنگی است که هم

شروع به جرایم تعزیری جعل و تزویر، سرقت، تخریب یا آتش زدن یا اتلاف تأسیسات یا اسلحه و مهمات یا وسایل و امکانات نیروهای مسلح، تقلب و دسیسه در امور نظام وظیفه، فروش غیرمجاز اموال نیروهای مسلح، ارتشا، اختلاس، اخاذی یا جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جرم است و مرتکب حسب مورد به حداقل مجازات جرایم مذکور محکوم می‌شود.

در مورد نظامیان و هم در مورد سایر مردم به یکسان وجود دارد. مضافاً آنکه این تفسیر از قانون هماهنگی کامل با اصول تفسیر قوانین کیفری نیز دارد. اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری در این خصوص اقتضای محدود کردن زمان جنگ به قدر متیقن از مفهوم جنگ را دارد، و بدون تردید زمان

«نه جنگ و نه صلح» داخل در این قدر متیقن نیست و به عبارت دیگر، داخل دانستن این حالت به زمان جنگ تفسیر موسع قوانین کیفری بشمار می‌آید. مضافاً آنکه اقتضای اصل تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم نیز چیزی جز این نیست.

۷- جرم انگاری ارتکاب جرم از طریق سیستم رایانه و نرم افزارهای مربوط

مورد دیگری که به عنوان یک نوآوری و ابتکار در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، قابل ذکر است، ماده (۱۳۱) این قانون است که مقرر می‌دارد: «هر گونه تغییر یا حذف اطلاعات، الحاق، تقدیم یا تأخیر تاریخ نسبت به تاریخ حقیقی و نظایر آن که به طور غیر مجاز توسط نظامیان در سیستم رایانه و نرم افزارهای مربوط صورت گیرد و همچنین اقداماتی از قبیل تسلیم اطلاعات طبقه بندی شده رایانه ای به دشمن یا افرادی که صلاحیت دسترسی به آن اطلاعات را ندارند، افشای غیر مجاز اطلاعات،

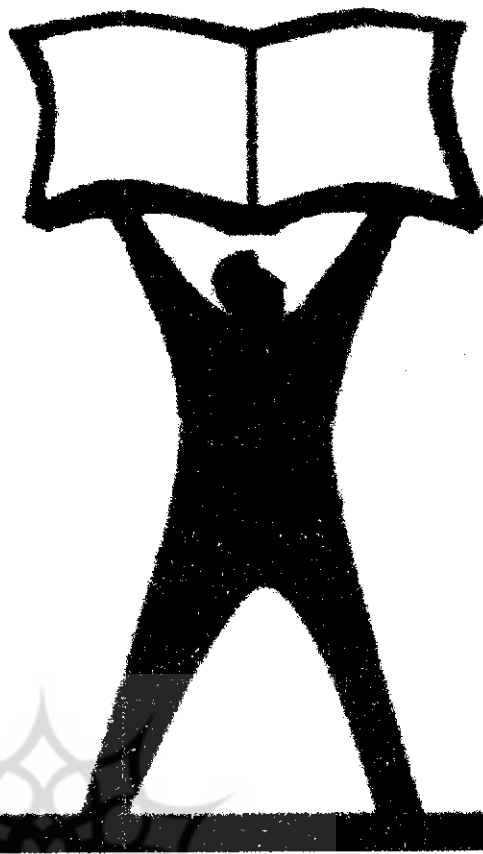
سرقت اشیای دارای ارزش اطلاعاتی مانند سی دی (CD) یا دیسکتهای حاوی اطلاعات یا معدوم کردن آنها یا سوء استفاده های مالی که نظامیان به وسیله رایانه مرتکب شوند، جرم محسوب و حسب مورد شمول مجازاتهای مندرج در مواد مربوط به این قانون می‌باشند.» آنچه در مورد این ماده لازم بذکر است، اینکه این ماده جرم جدیدی را جعل نکرده و همان طور که خود ماده هم به نوعی تصریح دارد تمام موارد مذکور در ماده در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جرم انگاری شده و حسب مورد مشمول مجازاتهای مندرج در مواد مربوط به این قانون می‌باشند. به عنوان مثال: تغییر یا حذف اطلاعات، الحاق، تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی و نظایر آن بدون تردید جرم جعل (مواد ۹۵ تا ۱۰۷ همین قانون) محسوب شده و چنانچه استفاده هایی هم از آن به عمل آید حسب مورد جرم استفاده از سند مجعول یا کلاهبرداری محقق می‌گردد که هیچ کدام جرم جدیدی نیست. همین طور تسلیم اطلاعات طبقه بندی شده رایانه ای به دشمن یا افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند یا افشای غیر مجاز اطلاعات حسب مورد شمول یکی از بندهای مواد (۲۴) یا (۲۶) همین قانون است.

خصوص در ماده (۱۲۹) به این امر تصریح کرده است. از این‌گونه شفافیت‌ها به وفور در این قانون مشاهده می‌شود.

علاوه بر اینها و به‌رغم قوانینی که تا به امروز به تصویب می‌رسید، در این قانون شاهد تسلط تقریباً خوب مقنن نسبت به سایر مباحث حقوقی و بخصوص قوانین کیفری موجود هستیم.

از این نمونه‌ها می‌توان به وارد کردن مبحث جایگزین‌های مجازات حبس به قانون جدید اشاره کرد؛ و نیز می‌توان به وارد کردن هر چند ناقص بحث مهم عدم فایده‌مندی مجازات‌های سالب آزادی کوتاه مدت به قانون جدید و همچنین حذف مجازات شلاق اشاره کرد و به عنوان نمونه چهارم می‌توان به ماده (۱۲۸) این قانون در مورد جرم انگاری شروع به جرم در جرایم مهم اشاره داشت. در این ماده، مقنن با شناختن حد خویش، بدون اینکه دخالت بی‌مورد در مباحث ماهیتی قبلی شروع به جرم داشته باشد، با تسلط کامل بر آن قوانین صرفاً شروع به جرایم مهم را جرم‌انگاری کرده است.

با همه این احوال ذکر این نکته لازم است که هیچ دستاورد بشری از جمله این قانون، مصون از خطا و ایراد نیست و نگارنده هیچگاه این ادعا را ندارد. به عنوان نمونه، به‌رغم شفافیت‌های زیاد این قانون، تعریف مقنن از دشمن در ماده (۲) ۵ این قانون از مواردی است که از خصوصیت شفافیت برخوردار نیست و به استناد آن هر حزب یا گروه سیاسی می‌تواند حزب یا گروه مقابل را متهم کند که اقدامات آن گروه بر ضد امنیت ملی است؛ و در نتیجه او را دشمن بدانند. آنچه مورد تحسین این مقاله است آنکه بر عکس قوانین دیگر، این قانون بدون اینکه مشکل دیگری برای سیستم حقوقی ایجاد کند، صرفاً در بستر سیستم حقوقی موجود و در هماهنگی تقریباً خوب با آن که حاکی از تسلط تدوین‌کنندگان آن بر مباحث حقوقی موجود است، تدوین یافته و نه تنها ایرادات سلف خود را ندارد که آنها را تا حد امکان برطرف هم کرده است و در برخی زمینه‌ها که به آن اشاره شد نوآوری‌هایی هم دارد.



استناد همین قانون به تخفیف و تبدیل مجازات پردازند و همچنین به موجب ذیل تبصره این ماده دادگاهها را مکلف کرده که در هنگام استناد به قوانین دیگر صرفاً به موجب همان قوانین (ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی) به تخفیف و تبدیل مجازات‌ها مبادرت کنند. (هر چند این حالت اخیر مورد ایراد این مقاله است، اما صراحت و شفافیت قانونگذار در جای خود قابل تحسین است). مورد دیگر شفافیت، ماده (۹) این قانون است که مقنن در این ماده با رها کردن عبارات مبهم و کش‌دار صدر ماده (۳) قانون آزمایشی قبلی در خصوص بیان جهات تخفیف مجازات، صراحتاً جهات تخفیف مجازات را همان جهات ششگانه تخفیف مجازات مندرج در ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی دانسته است. از موارد دیگر شفافیت می‌توان ماده (۱۲۹) این قانون را نام برد. همان‌گونه که اشاره شد، به‌رغم اینکه از لحاظ اصول تفسیر قوانین کیفری، ارتکاب جرم در زمان "نه صلح و نه جنگ" از حیث اعمال قوانین کیفری در حکم جرم واقع شده در زمان صلح بشمار می‌آید؛ اما مقنن جهت رفع هر گونه ابهام و تردیدی در این

به همین ترتیب سایر موارد مندرج در این ماده هم قبلاً توسط مقنن جرم‌انگاری شده است. بنابراین، آنچه در این ماده نوآوری محسوب می‌گردد، آن است که مقنن در این ماده صراحتاً ارتکاب جرم از طریق (یا بوسیله) سیستم رایانه و نرم‌افزارهای مربوط را جرم‌انگاری کرده است.

نتیجه‌گیری:

قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تا حد امکان ابهامات و ایرادات قانون آزمایشی مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ را برطرف کرده است. به صورتی که در این قانون در موارد متعددی شاهد شفافیت و صراحت هر چه بیشتر قانون هستیم و این امر چیزی است که بخصوص در حقوق کیفری بسیار پسندیده و مورد تأکید حقوقدانهاست (فرهودی نیا، ۱۳۸۱، ص ۴) از جمله این شفافیت‌ها می‌توان به ذیل ماده (۲) و همچنین ذیل تبصره این ماده اشاره کرد. مقنن به‌موجب ذیل ماده (۲) با صراحت کامل دادگاهها را مکلف کرده که در هنگام استناد به قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح صرفاً به